

همایش علمی- پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۰۲۷۷ رده بندی کنگره: ب ۲۱/۷۶۴۱۰

طراحی مدل نقش های معلمان آینده

دکتر خدیجه اصیل

مدرس دروس معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

چکیده

تحولات شتابان اجتماعی، فرهنگی، فناورانه و آموزشی، نقش سنتی معلم را با تغییرات اساسی مواجه ساخته است. در الگوی آموزش سنتی، معلم عمدتاً به عنوان انتقال دهنده دانش و مجری برنامه درسی شناخته می شد، اما در مدرسه آینده، معلم باید مجموعه ای متنوع از نقش های آموزشی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، فناورانه، پژوهشی و رهبری را ایفا کند. مسئله اساسی این پژوهش آن است که با توجه به تغییر ماهیت یادگیری، گسترش فناوری های هوشمند، تحول انتظارات دانش آموزان و ضرورت تقویت هویت و تربیت اخلاقی، معلم آینده چه نقش هایی را باید بر عهده گیرد و این نقش ها چگونه می توانند در قالب یک مدل منسجم تبیین شوند؟ پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعه اسنادی و تحلیل مفهومی، ابعاد مختلف نقش معلم آینده را بررسی کرده است. یافته های تحلیلی نشان می دهد که نقش های معلم آینده را می توان در هفت بعد اصلی شامل نقش آموزشی و یادگیری محور، نقش تربیتی و اخلاقی، نقش هویتی و فرهنگی، نقش تسهیلگر و مربی یادگیری، نقش فناورانه و هوش مصنوعی، نقش پژوهشگر و یادگیرنده حرفه ای و نقش رهبر اجتماعی و عدالت محور سازمان داد. در این مدل، نقش های مذکور منفک از یکدیگر نیستند، بلکه در تعامل متقابل قرار دارند و بر محور هویت حرفه ای و تربیتی معلم به هم پیوند می خورند. طراحی و اجرای برنامه های تربیت معلم باید از الگوی معلم انتقال دهنده محتوا به سوی الگوی معلم حرفه ای، مربی، راهبر یادگیری، الگوی اخلاقی و کنشگر تحول حرکت کند.

واژگان کلیدی: معلم آینده، نقش معلم، تربیت معلم، هویت حرفه ای، شایستگی معلم، تحول آموزشی، رهبری تربیتی

مقدمه

آموزش و پرورش در هر جامعه، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انتقال دانش، فرهنگ، ارزش‌ها، مهارت‌ها و الگوهای زندگی اجتماعی به نسل جدید است. در مرکز این فرایند، معلم قرار دارد، فردی که نه تنها با آموزش مستقیم، بلکه از طریق رفتار، گفتار، تصمیم‌گیری، ارتباطات و سبک زندگی حرفه‌ای خود بر شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. از همین رو، هرگونه تحول در نظام آموزشی، در نهایت به تحول در نقش، جایگاه و شایستگی‌های معلم وابسته خواهد بود. در دهه‌های اخیر، تغییرات گسترده در حوزه فناوری اطلاعات، ظهور شبکه‌های اجتماعی، گسترش منابع یادگیری دیجیتال، توسعه هوش مصنوعی، تغییر الگوهای ارتباطی نسل جدید و افزایش دسترسی دانش‌آموزان به منابع متنوع اطلاعاتی، جایگاه سنتی معلم را دستخوش تغییر کرده است. دانش‌آموز امروز برای دستیابی به اطلاعات، الزاماً منتظر حضور معلم در کلاس نیست. موتورهای جست‌وجو، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آموزشی، کتابخانه‌های دیجیتال و ابزارهای هوش مصنوعی بخش قابل توجهی از فرایند دسترسی به اطلاعات را بر عهده گرفته‌اند. این تحول به معنای کاهش اهمیت معلم نیست، بلکه دقیقاً برعکس، ضرورت حضور معلم حرفه‌ای را افزایش می‌دهد. هنگامی که دانش‌آموز با حجم گسترده‌ای از اطلاعات مواجه است، مسئله اصلی دیگر صرفاً دسترسی به اطلاعات نیست، بلکه توانایی تشخیص اطلاعات معتبر از نامعتبر، تحلیل، تفسیر، کاربرد و تبدیل آن به دانش معنادار اهمیت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، معلم باید از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به راهبر فرایند یادگیری تبدیل شود. مدرسه تنها محل انتقال دانش علمی نیست. دانش‌آموز در

مدرسه شیوه تعامل با دیگران، مسئولیت‌پذیری، احترام، همکاری، حل مسئله، هویت اجتماعی، اخلاق و بسیاری از الگوهای رفتاری را می‌آموزد. در نتیجه، معلم آینده باید بتواند میان آموزش علمی و تربیت انسانی ارتباط برقرار کند. این موضوع برای دانشگاه فرهنگیان اهمیت مضاعفی دارد، زیرا دانشگاه فرهنگیان نهادی است که وظیفه تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای مورد نیاز نظام آموزش و پرورش را بر عهده دارد. اگر نقش معلم آینده به‌درستی تعریف نشود، برنامه‌های تربیت معلم نیز نمی‌تواند متناسب با نیازهای مدرسه آینده طراحی شوند. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر، طراحی و تبیین مدلی جامع برای شناسایی نقش‌های معلمان آینده است.

بخش اول: کلیات

نظام‌های آموزشی در هر جامعه، یکی از مهم‌ترین نهادهای شکل‌دهنده سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی به شمار می‌آیند و کیفیت عملکرد آنها تا حد زیادی به کیفیت نیروی انسانی فعال در این نظام وابسته است. در میان عناصر مختلف نظام تعلیم و تربیت، معلم جایگاهی ویژه دارد، زیرا بخش قابل توجهی از اهداف آموزشی و تربیتی در نهایت از طریق تعامل مستقیم یا غیرمستقیم میان معلم و یادگیرنده تحقق پیدا می‌کند. معلم نه تنها انتقال‌دهنده دانش و مهارت است، بلکه در شکل‌گیری نگرش‌ها، باورها، رفتارها، انگیزه‌ها، هویت و حتی تصور دانش‌آموز از آینده خود و جامعه نقش دارد. به همین دلیل، هرگاه ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی یا فناورانه جامعه دستخوش تغییر شود، نقش و کارکرد معلم نیز ناگزیر باید متناسب با این تغییرات بازتعریف شود. در الگوهای سنتی

تعلیم و تربیت، دانش عمده‌تاً در اختیار معلم و منابع رسمی آموزشی قرار داشت و دانش‌آموز در موقعیت دریافت‌کننده دانش قرار می‌گرفت. کتاب درسی مهم‌ترین منبع یادگیری بود و معلم نقش اصلی را در انتخاب، سازمان‌دهی و انتقال محتوای آموزشی ایفا می‌کرد. در چنین شرایطی، توانایی معلم در ارائه منظم مطالب، توضیح مفاهیم، مدیریت کلاس و سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان، بخش مهمی از صلاحیت حرفه‌ای او را تشکیل می‌داد. دانش‌آموز نیز عمده‌تاً با گوش دادن، یادداشت‌برداری، مطالعه و پاسخ‌گویی به سؤالات آزمون در فرایند آموزشی مشارکت می‌کرد. این الگو در شرایط تاریخی خود دارای کارکردهای مشخصی بود، اما تغییر شرایط اجتماعی و گسترش منابع یادگیری سبب شده است که استمرار همان تعریف سنتی از معلم با نیازهای مدرسه معاصر و آینده سازگاری کامل نداشته باشد. امروزه دانش‌آموز در محیطی زندگی می‌کند که دسترسی به اطلاعات و منابع یادگیری بسیار گسترده شده است. فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های اطلاعاتی، آموزش‌های آنلاین، ویدئوهای آموزشی، نرم‌افزارهای تعاملی و سامانه‌های هوشمند، امکان دستیابی سریع به حجم عظیمی از اطلاعات را فراهم کرده‌اند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی دیگر فقط کمبود اطلاعات نیست، بلکه چگونگی مواجهه با اطلاعات، ارزیابی اعتبار آنها، تشخیص اطلاعات نادرست، تحلیل و تفسیر محتوا و تبدیل اطلاعات پراکنده به دانش معنادار اهمیت پیدا کرده است. نقش معلم نیز باید از انتقال صرف اطلاعات به هدایت فرایند یادگیری، ایجاد توانایی تحلیل و پرورش قدرت تشخیص در دانش‌آموز تغییر کند در واقع، گسترش منابع اطلاعاتی نه تنها از اهمیت معلم نکاسته، بلکه ماهیت حرفه‌ای او را پیچیده‌تر کرده است. دانش‌آموز امروز ممکن است درباره یک

موضوع خاص اطلاعات بیشتری از آنچه در کتاب درسی آمده در اختیار داشته باشد، اما این اطلاعات الزاماً به معنای برخورداری از فهم عمیق نیست. ممکن است دانش آموز بتواند پاسخ یک پرسش را از یک سامانه هوشمند دریافت کند، اما نتواند درباره اعتبار آن پاسخ داوری کند، ممکن است اطلاعات فراوانی درباره مسائل اجتماعی داشته باشد، اما در تحلیل انتقادی آنها ناتوان باشد، یا بتواند یک متن را تولید کند، اما در تشخیص پیامدهای اخلاقی و اجتماعی آن دچار مشکل شود. در چنین وضعیتی، نقش معلم از ارائه پاسخ به سمت طرح پرسش‌های مناسب، ایجاد موقعیت تفکر، هدایت گفت‌وگو و کمک به دانش آموز برای رسیدن به فهم معتبر و معنادار حرکت می‌کند.

یکی از مسائل بنیادی آموزش معاصر، فاصله میان دانستن و توانستن است. نظام آموزشی ممکن است بتواند دانش آموزانی تربیت کند که از اطلاعات علمی مناسبی برخوردارند، اما اگر این دانش نتواند به توانایی حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، برقراری ارتباط، همکاری، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و مواجهه اخلاقی با موقعیت‌های واقعی تبدیل شود، نمی‌توان از تحقق کامل اهداف تربیتی سخن گفت. جامعه آینده به افرادی نیاز دارد که بتوانند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های جدید به کار گیرند، در برابر مسائل پیچیده تصمیم بگیرند، پیامد انتخاب‌های خود را درک کنند و مسئولیت فردی و اجتماعی رفتار خود را بپذیرند. تحقق چنین هدفی مستلزم حضور معلمی است که خود از چنین شایستگی‌هایی برخوردار باشد و بتواند آنها را در فرایند یادگیری پرورش دهد.

تغییرات نسلی نیز مسئله نقش معلم را با اهمیت بیشتری مواجه ساخته است. دانش آموزان نسل جدید در محیط ارتباطی متفاوتی نسبت به نسل‌های گذشته رشد می‌کنند. سرعت انتقال اطلاعات، تنوع الگوهای ارتباطی، حضور گسترده رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال و تغییر سبک تعامل اجتماعی، انتظارات آنان از مدرسه و معلم را تحت تأثیر قرار داده است. دانش آموز امروز تنها با مدرسه و خانواده مواجه نیست، بلکه هم‌زمان از رسانه‌ها، همسالان، فضای مجازی و محیط‌های متنوع اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، معلم نمی‌تواند فرایند تربیت را صرفاً در محدوده کلاس و کتاب درسی تعریف کند. او باید بتواند محیط اجتماعی و رسانه‌ای پیرامون دانش آموز را نیز بشناسد و نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای آن آگاهی داشته باشد. در چنین شرایطی، مفهوم معلم آینده اهمیت پیدا می‌کند. منظور از معلم آینده صرفاً معلمی نیست که در سال‌های آینده در مدرسه حضور خواهد داشت، بلکه مقصود، الگویی از معلم حرفه‌ای است که شایستگی‌ها و نقش‌های خود را متناسب با ویژگی‌های مدرسه آینده بازتعریف می‌کند. چنین معلمی باید علاوه بر دانش تخصصی، از دانش تربیتی، مهارت‌های ارتباطی، توانایی طراحی یادگیری، سواد دیجیتال، شایستگی اخلاقی، توانایی پژوهش، تفکر انتقادی و قابلیت سازگاری با تغییر برخوردار باشد. در نتیجه، معلم آینده را باید یک حرفه‌ای چندبعدی دانست که نقش‌های مختلف او در یک نظام منسجم و هدفمند با یکدیگر ارتباط دارند.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بازتعریف نقش معلم، توسعه فناوری‌های هوشمند و به‌ویژه هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی در حال تغییر بسیاری از فعالیت‌هایی است که پیش‌تر به‌طور انحصاری توسط انسان انجام می‌شد. تولید متن، خلاصه‌سازی، ترجمه، پاسخ‌گویی

به پرسش‌ها، تحلیل داده‌ها، تولید محتوای آموزشی و ارائه پیشنهادها یادگیری، نمونه‌هایی از قابلیت‌های فناوری‌های هوشمند هستند که می‌توانند در محیط آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. این تحول پرسش مهمی را پیش روی نظام تعلیم و تربیت قرار می‌دهد: هنگامی که دانش‌آموز می‌تواند برای بسیاری از پرسش‌های خود از ابزارهای هوشمند پاسخ دریافت کند، نقش معلم چه خواهد بود؟ پاسخ به این پرسش در حذف یا کم‌رنگ شدن نقش معلم خلاصه نمی‌شود، بلکه در بازتعریف کیفیت و ماهیت نقش او قرار دارد. هرچه فناوری در تولید و انتقال اطلاعات توانمندتر شود، نقش‌هایی که به قضاوت انسانی، ارتباط عاطفی، تربیت اخلاقی، همدلی، ایجاد اعتماد، شناخت زمینه اجتماعی و هدایت رشد شخصیت مربوط هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. معلم آینده باید بتواند در کنار استفاده از فناوری، محدودیت‌های آن را نیز بشناسد. او باید دانش‌آموز را به استفاده مسئولانه از ابزارهای هوشمند، ارزیابی صحت اطلاعات، رعایت حقوق دیگران، حفاظت از حریم خصوصی، رعایت اصول اخلاقی و استفاده غیرتقلبی از فناوری هدایت کند. بنابراین، سواد هوش مصنوعی برای معلم آینده تنها به معنای توانایی کار با ابزارهای هوشمند نیست، بلکه شامل درک فرصت‌ها، محدودیت‌ها، پیامدها و الزامات اخلاقی استفاده از آنها نیز می‌شود.

آموزش آینده نمی‌تواند تنها بر رشد شناختی دانش‌آموز متمرکز باشد. انسان موجودی چندبعدی است و رشد مطلوب او مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی و جسمانی است. در این میان، معلم نقش مهمی در ایجاد تعادل میان این ابعاد دارد. دانش‌آموز باید علاوه بر یادگیری مفاهیم علمی، توانایی برقراری ارتباط،

مدیریت هیجانات، احترام به دیگران، همکاری، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری اخلاقی و مشارکت اجتماعی را نیز کسب کند. بنابراین، معلم آینده باید از نقش صرفاً آموزشی فاصله گرفته و نقش تربیتی خود را به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر حرفه معلمی بپذیرد.

موضوع تربیت اخلاقی و هویتی در جامعه‌ای مانند ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا مدرسه علاوه بر وظیفه آموزش علمی، در شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی نسل آینده نیز نقش دارد. دانش‌آموزان باید بتوانند نسبت خود را با جامعه، فرهنگ، تاریخ، ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌های اجتماعی خود درک کنند. این فرایند زمانی موفق خواهد بود که معلم خود از هویت حرفه‌ای و فرهنگی منسجم برخوردار باشد و بتواند ارزش‌ها را نه صرفاً از طریق توصیه و بیان کلامی، بلکه از طریق رفتار حرفه‌ای و تعامل روزمره به دانش‌آموز منتقل کند. در این میان، نقش معلم در آموزش معارف اسلامی از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش معارف اسلامی اگر صرفاً به انتقال محفوظات، تعاریف، اصطلاحات و پاسخ‌های آماده محدود شود، ممکن است نتواند ارتباط عمیقی با تجربه زیسته دانش‌آموز برقرار کند. نسل جدید با پرسش‌های متنوعی درباره اخلاق، معنای زندگی، مسئولیت فردی و اجتماعی، عدالت، ارتباط انسان با خدا، فناوری، فضای مجازی و آینده خود مواجه است. از این رو، آموزش معارف اسلامی نیازمند معلمی است که بتواند میان منابع دینی، عقلانیت، اخلاق، پرسشگری و مسائل واقعی زندگی ارتباط برقرار کند.

معلم آینده در حوزه معارف اسلامی باید بتواند فضای گفت‌وگو ایجاد کند و پرسش‌های دانش‌آموزان را به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری به رسمیت بشناسد. تربیت دینی زمانی می‌تواند به شکل‌گیری نگرش پایدار کمک کند که دانش‌آموز فرصت فهم، پرسش، مقایسه، استدلال و ارتباط دادن مفاهیم با زندگی واقعی را داشته باشد. در چنین الگویی، معلم معارف اسلامی نه صرفاً ناقل مفاهیم، بلکه مربی تفکر، اخلاق، معنویت و مسئولیت اجتماعی خواهد بود.

مسئله دیگری که ضرورت بازتعریف نقش معلم را افزایش می‌دهد، تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان از نظر استعداد، پیشینه خانوادگی، علایق، توانایی شناختی، شرایط اقتصادی و فرهنگی، سبک یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر تفاوت دارند. در نتیجه، انتظار اینکه یک روش تدریس واحد بتواند نیازهای همه دانش‌آموزان را پاسخ دهد، واقع‌بینانه نیست. معلم آینده باید بتواند این تفاوت‌ها را شناسایی کند و تا حد امکان فرصت‌های یادگیری متناسب با نیازهای متفاوت فراهم آورد. این امر نیازمند توانایی مشاهده، تشخیص، انعطاف‌پذیری و طراحی آموزشی متنوع است. مسئله عدالت آموزشی نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. همه دانش‌آموزان از شرایط برابر برای یادگیری برخوردار نیستند. تفاوت در امکانات خانوادگی، دسترسی به فناوری، کیفیت محیط آموزشی، منابع فرهنگی و اقتصادی و حمایت‌های اجتماعی می‌تواند فرصت‌های یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد. معلم آینده باید نسبت به این تفاوت‌ها حساس باشد و تا حد امکان از روش‌ها و منابعی استفاده کند که فرصت مشارکت

و یادگیری را برای گروه‌های مختلف دانش‌آموزی افزایش دهد. در این معنا، معلم علاوه بر نقش آموزشی، می‌تواند نقش مهمی در تحقق عدالت آموزشی داشته باشد.

معلم آینده باید یادگیرنده مادام‌العمر باشد. سرعت تغییر دانش و فناوری موجب شده است که دانش حرفه‌ای هیچ معلمی یک‌بار برای همیشه کامل نباشد. معلمی که سال‌ها بدون مطالعه و بازنگری در روش‌های خود تدریس کند، به تدریج فاصله بیشتری با نیازهای واقعی دانش‌آموزان پیدا خواهد کرد. بنابراین، یادگیری حرفه‌ای مستمر، مطالعه، پژوهش، تبادل تجربه با همکاران، اقدام‌پژوهی و استفاده از دستاوردهای علمی باید بخشی از هویت حرفه‌ای معلم آینده باشد در این میان، نقش دانشگاه فرهنگیان اهمیت بنیادی دارد. دانشگاه فرهنگیان صرفاً وظیفه انتقال دانش تخصصی به دانشجو - معلمان را ندارد، بلکه باید زمینه شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، تربیتی و اخلاقی آنان را فراهم کند. اگر مدرسه آینده به معلمانی نیاز دارد که بتوانند نقش‌های آموزشی، تربیتی، فناورانه، پژوهشی و اجتماعی را هم‌زمان ایفا کنند، برنامه‌های تربیت معلم نیز باید بر همین اساس بازطراحی شوند. دانشجو - معلم باید در دوران تحصیل با مسائل واقعی مدرسه مواجه شود، تجربه تدریس و تعامل با دانش‌آموز را کسب کند، مهارت استفاده از فناوری را بیاموزد، با اصول پژوهش و اقدام‌پژوهی آشنا شود و در زمینه اخلاق حرفه‌ای و هویت معلمی رشد کند.

مسئله مهم دیگر، فاصله احتمالی میان آنچه در برنامه‌های رسمی تربیت معلم آموزش داده می‌شود و آنچه معلم در مدرسه واقعی با آن مواجه می‌شود، است. معلم در محیط واقعی مدرسه با کلاس‌های ناهمگون، دانش‌آموزان دارای نیازهای متفاوت، خانواده‌های مختلف،

محدودیت منابع، مسائل اجتماعی، فناوری‌های جدید و انتظارات متنوع روبه‌رو می‌شود. بنابراین، تربیت معلم باید علاوه بر آموزش نظری، فرصت کافی برای تجربه، مشاهده، تحلیل و حل مسائل واقعی فراهم کند همچنین باید توجه داشت که افزایش نقش‌های معلم نباید به معنای افزایش بی‌ضابطه وظایف و فشار شغلی باشد. اگر از معلم انتظار داشته باشیم هم‌زمان متخصص آموزش، مربی اخلاق، متخصص فناوری، پژوهشگر، مشاور، مدیر کلاس، رهبر اجتماعی و عامل عدالت آموزشی باشد، اما امکانات، زمان، آموزش و حمایت سازمانی لازم را در اختیار او قرار ندهیم، مدل جدید نقش‌ها می‌تواند به جای ارتقای حرفه معلمی، موجب فرسودگی و کاهش اثربخشی شود. بنابراین، طراحی مدل نقش‌های معلمان آینده باید با توجه به ظرفیت‌های واقعی نظام آموزش و پرورش، منابع موجود، حمایت‌های سازمانی و شرایط حرفه‌ای معلمان انجام شود.

از سوی دیگر، ضروری است میان نقش و شایستگی تفاوت قائل شویم. نقش بیانگر جایگاه و کارکردی است که معلم در نظام آموزشی ایفا می‌کند، در حالی که شایستگی مجموعه دانش، مهارت، نگرش و توانایی لازم برای ایفای آن نقش است. برای مثال، اگر معلم آینده نقش طراح یادگیری را بر عهده دارد، باید شایستگی‌هایی مانند طراحی آموزشی، شناخت روش‌های تدریس، ارزیابی یادگیری و استفاده مناسب از فناوری را دارا باشد. اگر نقش او مربی اخلاقی است، باید از شایستگی ارتباطی، اخلاق حرفه‌ای، توانایی گفت‌وگو و شناخت مسائل تربیتی برخوردار باشد. بنابراین، طراحی مدل نقش‌ها باید مقدمه‌ای برای طراحی چارچوب شایستگی‌های معلم آینده نیز باشد.

مسئله اصلی در اینجا آن است که نقش‌های جدید معلم اغلب به صورت پراکنده و جدا از یکدیگر مطرح می‌شوند. گاهی از معلم به عنوان تسهیلگر یادگیری سخن گفته می‌شود، گاهی به عنوان کاربر فناوری، گاهی مربی اخلاق، گاهی پژوهشگر و گاهی رهبر آموزشی، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، طراحی یک چارچوب منسجم است که بتواند همه این نقش‌ها را در یک مدل واحد و دارای ارتباط منطقی قرار دهد. فقدان چنین چارچوبی می‌تواند موجب پراکندگی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی تربیت معلم، آموزش ضمن خدمت و ارزشیابی حرفه‌ای معلمان شود.

مسئله پژوهش حاضر صرفاً شناسایی چند نقش جدید برای معلم نیست، بلکه مسئله اساسی، تبیین ساختار و ارتباط میان نقش‌های مختلف معلم آینده و طراحی مدلی منسجم برای سازمان‌دهی آنها است. چنین مدلی باید بتواند نشان دهد که معلم آینده در چه ابعادی باید نقش‌آفرینی کند، هر نقش چه کارکردی دارد، چه شایستگی‌هایی برای ایفای آن ضروری است و نقش‌های مختلف چگونه در جهت تحقق اهداف نهایی تعلیم و تربیت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند بر این اساس، می‌توان گفت معلم آینده باید از یک سو متخصص یادگیری و از سوی دیگر مربی انسان باشد، باید هم دانش تخصصی داشته باشد و هم توانایی ایجاد ارتباط انسانی، باید فناوری را بشناسد اما اسیر فناوری نشود، باید از منابع دیجیتال استفاده کند اما قدرت تشخیص و داوری را در دانش‌آموز پرورش دهد، باید به هویت فرهنگی و اخلاقی توجه داشته باشد اما زمینه گفت‌وگو و تفکر را نیز فراهم کند، باید به تفاوت‌های فردی توجه کند و در عین حال اهداف مشترک تربیتی را دنبال نماید. در نتیجه، مسئله اصلی پژوهش را می‌توان در این پرسش محوری خلاصه کرد که مدل جامع و

منسجم نقش‌های معلمان آینده با توجه به تحولات آموزشی، فناوریانه، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی چگونه قابل طراحی و تبیین است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند نگاهی فراتر از وظایف سنتی معلم و توجه هم‌زمان به نقش آموزشی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، فناوریانه، پژوهشی و حرفه‌ای اوست.

اهمیت این مسئله برای دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی نیز از آن جهت است که تربیت معلم آینده باید متناسب با نیازهای واقعی مدارس، ویژگی‌های نسل جدید و تحولات محیط آموزشی انجام شود. دانشجو - معلم امروز باید برای مدرسه‌ای آماده شود که در آن فناوری و هوش مصنوعی حضور پررنگ‌تری دارند، منابع اطلاعاتی متنوع‌اند، دانش‌آموزان نیازهای متفاوتی دارند و از معلم انتظار می‌رود علاوه بر آموزش، در فرایند رشد شخصیت، هویت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی آنان نیز نقش‌آفرین باشد. طراحی مدل نقش‌های معلمان آینده می‌تواند مبنایی برای بازنگری در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان، طراحی دوره‌های توانمندسازی، بازتعریف شایستگی‌های حرفه‌ای، اصلاح نظام ارزشیابی معلمان، توسعه آموزش‌های ضمن خدمت و حتی بازاندیشی در شیوه‌های تدریس دروس معارف اسلامی باشد. چنین مدلی می‌تواند کمک کند تا معلم آینده نه به‌عنوان یک انتقال‌دهنده ساده محتوا، بلکه به‌عنوان طراح یادگیری، مربی تربیتی و اخلاقی، الگوی هویت فرهنگی، تسهیلگر رشد، کنشگر هوشمند فناوری، پژوهشگر حرفه‌ای و رهبر اجتماعی شناخته شود.

در نهایت، ضرورت طراحی این مدل از این واقعیت ناشی می‌شود که آینده آموزش، بیش از آنکه به حجم اطلاعات موجود وابسته باشد، به کیفیت انسان‌هایی وابسته است که بتوانند این اطلاعات را معنا کنند، درباره آنها داوری کنند، از آنها به‌درستی استفاده کنند و در مسیر رشد فردی و اجتماعی به کار گیرند. در چنین شرایطی، معلم همچنان یکی از مهم‌ترین عناصر نظام تعلیم و تربیت باقی خواهد ماند، اما کیفیت و اثربخشی او بیش از گذشته به توانایی‌اش در ایفای نقش‌های چندگانه و هماهنگی وابسته خواهد بود. از همین رو، طراحی مدلی جامع برای نقش‌های معلمان آینده نه یک موضوع صرفاً نظری، بلکه ضرورتی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تحول حرفه‌ای نظام تربیت معلم محسوب می‌شود.

بخش دوم: روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های مورد استفاده از طریق مطالعه اسناد، منابع علمی و نظریه‌های مرتبط با آموزش، تربیت معلم، رهبری آموزشی، یادگیری، تحول دیجیتال و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان گردآوری و سپس به شیوه تحلیل مفهومی بررسی شده‌اند. در این رویکرد تلاش شده است نقش‌های معلم آینده صرفاً به‌صورت فهرستی از وظایف ارائه نشوند، بلکه ارتباط میان آنها و منطق شکل‌گیری یک مدل جامع مورد تحلیل قرار گیرد.

بخش سوم: مبانی نظری و مفهومی پژوهش

بند اول: مفهوم معلم آینده

معلم آینده را نباید صرفاً معلمی دانست که در آینده به تدریس خواهد پرداخت. منظور از معلم آینده، الگویی از معلم حرفه‌ای است که شایستگی‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و نقش‌های خود را با شرایط متحول محیط آموزشی هماهنگ می‌کند. معلم آینده باید همزمان از دانش تخصصی رشته، دانش تربیتی، مهارت ارتباطی، سواد دیجیتال، شایستگی اخلاقی، توانایی پژوهش و قابلیت مدیریت فرایند یادگیری برخوردار باشد. بنابراین، حرفه معلمی از یک نقش محدود آموزشی به یک حرفه چندبعدی تبدیل شده است.

بند دوم: تغییر پارادایم از معلم محوری به یادگیرنده محوری

یکی از مهم‌ترین تحولات آموزش جدید، حرکت از آموزش معلم‌محور به یادگیری یادگیرنده‌محور است. در این الگو، دانش آموز موجودی فعال و دارای ظرفیت رشد تلقی می‌شود و معلم نقش طراح، تسهیلگر و راهبر یادگیری را بر عهده دارد. این تغییر به معنای حذف اقتدار علمی معلم نیست. برعکس، معلم باید از دانش و صلاحیت بیشتری برخوردار باشد تا بتواند مسیر یادگیری را هدایت کند. تفاوت در این است که اقتدار حرفه‌ای دیگر صرفاً از جایگاه رسمی معلم ناشی نمی‌شود، بلکه از دانش، اخلاق، توانایی ارتباط و قابلیت ایجاد یادگیری معنادار سرچشمه می‌گیرد.

بند سوم: مدل پیشنهادی نقش‌های معلمان آینده

بر اساس تحلیل مبانی نظری، می‌توان مدل نقش‌های معلم آینده را در هفت نقش اصلی تبیین کرد:

هویت حرفه‌ای و تربیتی معلم به‌عنوان هسته مرکزی مدل قرار می‌گیرد و هفت نقش به‌صورت مرتبط پیرامون آن شکل می‌گیرند:

۱. معلم به‌عنوان طراح و راهبر یادگیری
۲. معلم به‌عنوان مربی تربیتی و اخلاقی
۳. معلم به‌عنوان الگوی هویت فرهنگی و اجتماعی
۴. معلم به‌عنوان تسهیلگر ارتباط و رشد فردی
۵. معلم به‌عنوان کنشگر فناوری و هوش مصنوعی
۶. معلم به‌عنوان پژوهشگر و یادگیرنده حرفه‌ای
۷. معلم به‌عنوان رهبر اجتماعی و عامل عدالت آموزشی

این هفت نقش در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و هیچ‌کدام را نمی‌توان به‌صورت کامل از دیگری جدا کرد.

نقش اول: معلم به عنوان طراح و راهبر یادگیری

مهم‌ترین تغییر در نقش معلم آینده، تغییر از ارائه‌دهنده محتوا به طراح تجربه یادگیری است. معلم باید بتواند شرایطی ایجاد کند که دانش آموز در فرایند یادگیری مشارکت فعال داشته باشد. در این رویکرد، معلم پیش از ورود به کلاس باید مشخص کند دانش آموز قرار است چه چیزی را بفهمد، چه مهارتی را کسب کند و در پایان چه تغییری در توانایی او ایجاد شود. تدریس دیگر صرفاً ارائه مطالب نیست، بلکه طراحی یک مسیر یادگیری است. معلم آینده باید بتواند از روش‌هایی مانند یادگیری مسئله‌محور، یادگیری مشارکتی، پروژه‌محور، گفت‌وگو محور و اکتشافی استفاده کند. همچنین باید بتواند میان محتوای درسی و مسائل واقعی زندگی ارتباط ایجاد کند. در آموزش معارف اسلامی، این نقش اهمیت خاصی دارد. مفاهیم دینی زمانی عمیق‌تر آموخته می‌شوند که دانش آموز بتواند درباره آنها سؤال کند، استدلال کند، نمونه‌های عینی آنها را در زندگی ببیند و نسبت آنها را با مسائل اخلاقی و اجتماعی بررسی نماید.

نقش دوم: معلم به عنوان مربی تربیتی و اخلاقی

مدرسه صرفاً محل آموزش علوم و مهارت‌ها نیست، بلکه محیط شکل‌گیری شخصیت نیز هست. از این رو، معلم آینده باید نقش تربیتی خود را جدی بگیرد. معلم حتی زمانی که درباره اخلاق سخن نمی‌گوید، از طریق رفتار خود به دانش آموز درس اخلاق می‌دهد. عدالت در برخورد با دانش آموزان، احترام به تفاوت‌ها، صداقت، مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران و نحوه برخورد با خطاهای دانش آموز، همگی پیام‌های تربیتی دارند. در

این چارچوب، معلم نباید تربیت اخلاقی را به مجموعه‌ای از توصیه‌های کلامی محدود کند. تربیت اخلاقی هنگامی اثربخش است که دانش‌آموز بتواند ارزش‌های اخلاقی را در موقعیت‌های واقعی تجربه کند. معلم آینده باید بتواند درباره موضوعاتی مانند مسئولیت، عدالت، احترام، صداقت، حقوق دیگران، فضای مجازی، استفاده اخلاقی از فناوری و مسئولیت اجتماعی با دانش‌آموزان گفت‌وگو کند.

نقش سوم: معلم به عنوان الگوی هویت فرهنگی و اجتماعی

یکی از نقش‌های مهم معلم آینده، مشارکت در شکل‌گیری هویت دانش‌آموز است. هویت صرفاً از طریق آموزش مستقیم شکل نمی‌گیرد، بلکه در تعامل میان فرد، خانواده، مدرسه، جامعه و فرهنگ ساخته می‌شود. معلم باید بتواند میان هویت فردی دانش‌آموز و هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ارتباط ایجاد کند. این امر به معنای تحمیل هویت نیست، بلکه به معنای فراهم کردن زمینه شناخت، گفت‌وگو، فهم تاریخی و فرهنگی و شکل‌گیری تعلق آگاهانه است. در این زمینه، معلم معارف اسلامی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، زیرا آموزش دینی و اخلاقی در صورتی که همراه با عقلانیت، گفت‌وگو، پرسشگری و توجه به مسائل واقعی نسل جدید باشد، می‌تواند به شکل‌گیری هویت متعادل کمک کند.

نقش چهارم: معلم به عنوان تسهیلگر ارتباط و رشد فردی

دانش‌آموزان از نظر استعداد، پیشینه خانوادگی، سبک یادگیری، علایق، ویژگی‌های شخصیتی و شرایط زندگی با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین، یک شیوه ثابت برای همه

دانش‌آموزان نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای آنان باشند. معلم آینده باید این تفاوت‌ها را بشناسد و در طراحی فعالیت‌های آموزشی مورد توجه قرار دهد. او باید بتواند محیطی ایجاد کند که دانش‌آموز در آن احساس امنیت، احترام و تعلق داشته باشد. ارتباط مؤثر میان معلم و دانش‌آموز، یکی از پایه‌های یادگیری است. دانش‌آموزی که احساس می‌کند دیده و شنیده می‌شود، آمادگی بیشتری برای مشارکت در فرایند آموزشی خواهد داشت در چنین شرایطی، معلم بخشی از نقش خود را به شناسایی نیازهای فردی و هدایت دانش‌آموز به منابع مناسب اختصاص می‌دهد. البته این نقش به معنای جایگزینی مشاور یا روان‌شناس نیست، بلکه به معنای برخورداری معلم از حداقل شایستگی‌های ارتباطی و تربیتی برای تشخیص و حمایت اولیه است.

نقش پنجم: معلم به عنوان کنشگر فناوری و هوش مصنوعی

یکی از مهم‌ترین نقش‌های جدید معلم، نقش فناورانه است. معلم آینده باید نه تنها استفاده‌کننده فناوری، بلکه هدایت‌کننده استفاده تربیتی و اخلاقی از فناوری باشد. سواد دیجیتال معلم شامل توانایی استفاده از ابزارهای آموزشی، ارزیابی منابع دیجیتال، حفاظت از داده‌ها، شناخت مخاطرات فضای مجازی و استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی است. معلم باید به دانش‌آموز بیاموزد که هر پاسخ تولیدشده توسط یک سامانه هوشمند الزاماً صحیح نیست و هر اطلاعاتی که در فضای دیجیتال منتشر می‌شود، قابل اعتماد نیست. از این رو، تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی در کنار سواد فناوری اهمیت پیدا می‌کند. در مدرسه آینده، معلم باید بتواند از فناوری برای شخصی‌سازی یادگیری، تولید فعالیت‌های

آموزشی، بازخورددهی، دسترسی به منابع متنوع و ایجاد محیط‌های یادگیری جدید استفاده کند، اما در عین حال، مرزهای اخلاقی استفاده از فناوری را نیز بشناسد.

نقش ششم: معلم به عنوان پژوهشگر و یادگیرنده حرفه‌ای

معلم آینده نمی‌تواند پس از دریافت مدرک دانشگاهی، یادگیری حرفه‌ای خود را متوقف کند. تغییرات علمی و فناورانه به سرعت رخ می‌دهند و دانش حرفه‌ای معلم نیز باید دائماً به‌روزرسانی شود. معلم پژوهشگر، مسائل کلاس و مدرسه را مشاهده می‌کند، درباره آنها سؤال می‌سازد، شواهد جمع‌آوری می‌کند و برای حل آنها راه‌حل‌های مناسب می‌آزماید. پژوهش در این معنا الزاماً به معنای انجام پژوهش‌های پیچیده دانشگاهی نیست، بلکه شامل اقدام‌پژوهی، مطالعه تجربه‌های آموزشی، تحلیل عملکرد دانش‌آموزان و یادگیری از تجربه حرفه‌ای نیز می‌شود. چنین معلمی به جای اینکه مشکلات آموزشی را صرفاً به عوامل بیرونی نسبت دهد، آنها را موضوع یادگیری حرفه‌ای قرار می‌دهد.

نقش هفتم: معلم به عنوان رهبر اجتماعی و عامل عدالت آموزشی

معلم فقط در محدوده کلاس فعالیت نمی‌کند. مدرسه بخشی از جامعه است و معلم نیز یکی از کنشگران مهم اجتماعی به شمار می‌آید. معلم آینده باید نسبت به مسئله عدالت آموزشی حساس باشد. دسترسی دانش‌آموزان به منابع آموزشی، فناوری، حمایت خانوادگی و فرصت‌های رشد یکسان نیست. در نتیجه، معلم باید بتواند تا حد امکان فرصت‌های یادگیری را برای دانش‌آموزان مختلف متعادل کند. این نقش در مناطق کمتر

برخوردار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. معلم می‌تواند با شناسایی نیازهای دانش‌آموزان، استفاده خلاقانه از منابع موجود و برقراری ارتباط با خانواده و نهادهای محلی، به کاهش بخشی از نابرابری‌های آموزشی کمک کند.

بخش چهارم: هویت حرفه‌ای، محور اتصال نقش‌های معلم آینده

اگر هفت نقش مذکور را به‌صورت جداگانه بررسی کنیم، ممکن است تصور شود که معلم آینده باید مجموعه‌ای از وظایف پراکنده را بر عهده داشته باشد، در حالی که عنصر اتصال‌دهنده همه آنها، هویت حرفه‌ای است. معلمی که هویت حرفه‌ای قدرتمندی دارد، تدریس را صرفاً یک شغل نمی‌داند، بلکه آن را حرفه‌ای مبتنی بر مسئولیت، دانش، اخلاق و تعهد اجتماعی تلقی می‌کند. هویت حرفه‌ای باعث می‌شود معلم در برابر تغییرات فناورانه صرفاً واکنش نشان ندهد، بلکه بتواند آنها را از منظر تربیتی تحلیل کند. همچنین باعث می‌شود معلم میان دانش تخصصی، اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی خود ارتباط برقرار کند.

بند اول: نقش معلم آینده در آموزش معارف اسلامی

آموزش معارف اسلامی در شرایط جدید نیازمند بازاندیشی در شیوه‌های انتقال مفاهیم است. نسل جدید با پرسش‌های متفاوتی مواجه است و پاسخ‌های صرفاً حافظه‌محور نمی‌توانند همه نیازهای معرفتی و تربیتی او را پاسخ دهند. معلم معارف اسلامی آینده باید علاوه بر دانش تخصصی، از توانایی گفت‌وگو با نسل جدید برخوردار باشد. او باید بتواند

پرسش‌های دانش‌آموز را بشنود، میان پرسش و شبهه تفاوت قائل شود، از گفت‌وگوی عقلانی استقبال کند و مفاهیم دینی را به مسائل واقعی زندگی مرتبط سازد. هدف آموزش دینی نباید تنها افزایش میزان محفوظات باشد، بلکه باید در جهت تقویت تفکر، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، معنویت و توانایی انتخاب آگاهانه حرکت کند. در این چارچوب، معلم معارف اسلامی می‌تواند نقش مربی معنوی و اخلاقی را ایفا کند، نقشی که بیش از انتقال مجموعه‌ای از گزاره‌ها، بر ایجاد زمینه برای فهم، تجربه و زیست اخلاقی و معنوی تأکید دارد.

بند دوم: ارتباط میان نقش‌های هفت‌گانه

مدل پیشنهادی را می‌توان یک نظام به‌هم‌پیوسته دانست. نقش آموزشی بدون نقش تربیتی ناقص است، نقش فناورانه بدون اخلاق ممکن است به استفاده نادرست از فناوری منجر شود، نقش پژوهشی بدون هویت حرفه‌ای استمرار پیدا نمی‌کند، و نقش اجتماعی بدون شناخت نیازهای فردی دانش‌آموز ممکن است از واقعیت کلاس فاصله بگیرد از این رو، معلم آینده باید بتواند میان نقش‌های مختلف تعادل ایجاد کند. در مرکز مدل، هویت حرفه‌ای - تربیتی قرار دارد و در پیرامون آن هفت نقش اصلی قرار می‌گیرند. خروجی نهایی این مدل، صرفاً افزایش عملکرد تحصیلی نیست، بلکه باید به یادگیرنده مستقل، اخلاقی، مسئول، خلاق، توانمند، هویت‌مند و برخوردار از سواد علمی و دیجیتال منجر شود.

بند سوم: الزامات تحقق مدل نقش‌های معلمان آینده

تحقق این مدل بدون تحول در نظام تربیت معلم امکان‌پذیر نیست. دانشگاه فرهنگیان باید برنامه‌های آموزشی خود را متناسب با نقش‌های جدید معلم بازطراحی کند. دانشجو - معلم باید علاوه بر دروس تخصصی، فرصت کافی برای تجربه واقعی کلاس، کار گروهی، پژوهش، فعالیت فرهنگی، فناوری آموزشی و تعامل با مسائل واقعی مدرسه داشته باشد. همچنین آموزش ضمن خدمت معلمان باید از دوره‌های صرفاً انتقال‌دهنده اطلاعات به سمت یادگیری حرفه‌ای مستمر حرکت کند. معلم باید بتواند نیازهای حرفه‌ای خود را شناسایی کرده و بر اساس آنها مسیر رشد حرفه‌ای خود را دنبال کند. نظام ارزشیابی معلمان نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد. اگر تنها معیار ارزیابی معلم، میزان پوشش محتوای کتاب درسی باشد، طبیعی است که سایر نقش‌های حرفه‌ای او کمتر مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی حرفه‌ای باید مجموعه‌ای از ابعاد آموزشی، تربیتی، اخلاقی، ارتباطی، فناورانه، پژوهشی و اجتماعی را دربرگیرد.

بند چهارم: چالش‌های اجرای مدل

اجرای چنین الگویی با چالش‌هایی مواجه است. نخستین چالش، افزایش انتظارات از معلم بدون فراهم کردن منابع و حمایت‌های لازم است. نمی‌توان از معلم انتظار داشت هم‌زمان متخصص آموزش، مشاور، پژوهشگر، متخصص فناوری و فعال اجتماعی باشد، اما فرصت، امکانات و آموزش لازم برای ایفای این نقش‌ها را در اختیار او قرار نداد. چالش دوم، مقاومت در برابر تغییر است. هر تحول حرفه‌ای نیازمند تغییر در نگرش‌ها و رویه‌های

تثبیت شده است. این تغییر باید تدریجی، مشارکتی و مبتنی بر تجربه واقعی معلمان باشد. چالش سوم، شکاف دیجیتال است. همه مدارس و دانش آموزان از امکانات فناورانه یکسان برخوردار نیستند. بنابراین، توسعه نقش فناورانه معلم باید همراه با توجه جدی به عدالت آموزشی باشد. چالش چهارم، خطر سطحی شدن نقش هاست. اگر نقش های جدید صرفاً به فهرستی از وظایف اضافه شده به کار معلم تبدیل شوند، نتیجه ممکن است افزایش فشار شغلی باشد. به همین دلیل، باید میان مسئولیت های حرفه ای، امکانات، زمان و حمایت سازمانی تناسب وجود داشته باشد.

بخش پنجم: بحث و تحلیل

تحلیل مدل پیشنهادی نشان می دهد که تحول نقش معلم، در اصل تحول در تعریف حرفه معلمی است. معلم آینده دیگر صرفاً اجراکننده برنامه درسی نیست، بلکه یکی از عوامل اصلی طراحی و هدایت محیط یادگیری است. این تغییر همچنین نشان می دهد که فناوری رقیب اصلی معلم نیست، بلکه ابزاری است که می تواند نقش معلم را از سطح انتقال اطلاعات به سطح هدایت یادگیری ارتقا دهد. هرچه فناوری در ارائه اطلاعات توانمندتر شود، اهمیت مهارت هایی مانند قضاوت، اخلاق، ارتباط انسانی، تربیت و ایجاد معنا بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، مدل نشان می دهد که معلم آینده باید میان دو قطب دانش و تربیت تعادل برقرار کند. معلم بدون دانش تخصصی نمی تواند آموزش باکیفیت ارائه کند و معلم بدون شایستگی تربیتی نیز نمی تواند در شکل گیری شخصیت دانش آموز نقش مطلوبی ایفا کند. در حوزه معارف اسلامی نیز همین اصل صادق است. اثربخشی آموزش

معارف بیش از آنکه صرفاً به حجم مطالب ارائه شده وابسته باشد، به کیفیت ارتباط میان دانش دینی، عقلانیت، اخلاق، تجربه زندگی و نیازهای نسل جدید بستگی دارد.

نتیجه گیری

تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناورانه نشان می دهد که تعریف سنتی از نقش معلم دیگر برای توضیح کامل حرفه معلمی کفایت نمی کند. معلم آینده باید مجموعه ای از نقش های مکمل را در یک چارچوب حرفه ای منسجم ایفا کند. مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، نقش های معلمان آینده را در هفت بعد اصلی شامل طراح و راهبر یادگیری، مربی تربیتی و اخلاقی، الگوی هویت فرهنگی و اجتماعی، تسهیلگر رشد فردی، کنشگر فناوری و هوش مصنوعی، پژوهشگر و یادگیرنده حرفه ای و رهبر اجتماعی و عامل عدالت آموزشی سازمان دهی می کند. وجه مشترک این نقش ها، هویت حرفه ای و تربیتی معلم است. بنابراین، معلم آینده نه صرفاً متخصص یک رشته علمی و نه صرفاً مجری برنامه های رسمی آموزشی است، بلکه حرفه ای چندبعدی است که باید دانش تخصصی را با تربیت، اخلاق، فناوری، پژوهش و مسئولیت اجتماعی پیوند دهد. برای دانشگاه فرهنگیان، این نتیجه اهمیت ویژه ای دارد. تربیت معلم آینده باید بر تجربه واقعی، یادگیری حرفه ای، اخلاق، هویت، فناوری، پژوهش و توانایی مواجهه با مسائل پیچیده مدرسه استوار شود. در چنین شرایطی، هدف تربیت معلم دیگر فقط آماده کردن فرد برای تدریس نیست، بلکه آماده کردن او برای رهبری فرایند یادگیری و تربیت انسان است.

• پیشنهاد‌های پژوهش

۱. بازنگری برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر نقش‌های چندگانه معلم آینده.
۲. طراحی چارچوب شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان آینده بر اساس هفت نقش پیشنهادی.
۳. گنجاندن سواد هوش مصنوعی و اخلاق فناوری در برنامه تربیت معلم.
۴. تقویت آموزش مهارت‌های ارتباطی، گفت‌وگو، تفکر انتقادی و حل مسئله برای دانشجو - معلمان.
۵. توسعه اقدام پژوهی و پژوهش‌های مدرسه‌محور در میان معلمان.
۶. بازطراحی نظام ارزشیابی حرفه‌ای معلمان با توجه به ابعاد آموزشی، تربیتی، اخلاقی، فناورانه و اجتماعی.
۷. توجه بیشتر به نقش معلم در تحقق عدالت آموزشی و کاهش شکاف‌های فرصت یادگیری.

منابع و مآخذ

۱. آقاپور، احمد. (۱۳۹۹). *اصول و مبانی تعلیم و تربیت*. تهران: سمت.
۲. باقری، خسرو. (۱۳۹۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
۳. پارسا، محمد. (۱۳۹۸). *روانشناسی تربیتی*. تهران: بعثت.
۴. پاشایی، علی. (۱۴۰۰). *روش‌ها و فنون تدریس*. تهران: سمت.
۵. شعبانی، حسن. (۱۳۹۸). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس*. تهران: سمت.
۶. شریعتمداری، علی. (۱۳۹۷). *فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر.
۷. سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). *روانشناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: دوران.
۸. کدیور، پروین. (۱۳۹۹). *روانشناسی تربیتی*. تهران: سمت.
۹. لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۸). *روانشناسی تربیتی*. تهران: سمت.
۱۰. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۸). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها و چشم‌اندازها*. تهران: سمت.
۱۱. Bandura, A. (۱۹۹۷). *Self-efficacy: The exercise of control*. W. H. Freeman.
۱۲. Darling-Hammond, L. (۲۰۰۶). *Powerful teacher education: Lessons from exemplary programs*. Jossey-Bass.



۱۳. Hattie, J. (۲۰۰۹). *Visible learning: A synthesis of over ۸۰۰ meta-analyses relating to achievement*. Routledge.
۱۴. UNESCO. (۲۰۲۱). *AI and education: Guidance for policy-makers*. UNESCO.
۱۵. UNESCO. (۲۰۲۳). *Guidance for generative AI in education and research*. UNESCO.
۱۶. UNESCO. (۲۰۲۴). *AI competency framework for teachers*. UNESCO.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه
 شورای عالی
تحقیقات و پژوهش
و امور ایران
 دانشگاه فرهنگیان
 جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
 پژوهشگاه فرهنگ، اندیشه و ادبیات

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

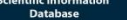
www.Olomensani.ir
www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر اجرایی همایش دکتر شهلا رضایی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
 دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶-۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 (در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
 MENDELEY
 جهاد
دانشگاهی
 DRJI
Directory of Research Journals Indexing
 CONF PAPER
 Academia.edu
California-San Francisco
 PBIN.com
Sponsored And Indexed
 Scientific Information Database
 ICI WORLD of JOURNALS
 CIVILICA
We Respect the Science